

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

گزارش و تحلیل از جواد عارفی
۲۱ سپتمبر ۲۰۲۰



جواد عارفی

"امریکا برنده جنگ در افغانستان است"، دروغ بزرگ رسانه های امریکائی

هر چند دولتمردان فعلی امریکا کاخ سفید را پیروز بحران افغانستان معرفی می کنند ولی واقعیت و حقیقت این است که وضعیت امریکا در افغانستان روز به روز به شکست و زوال نزدیک تر می شود. رشد و گسترش بی رویه عملیات های طالبان، رشد بی رویه هزینه ها، افزایش تلفات، ضعف های کلان مدیریتی و حکومتی دولت افغانستان، مخالفت روز افزون افکار عمومی افغانستان با عملکرد نیروهای خارجی و ... هر کدام و هر یک به تنهایی قادر اند که شکست امریکا را در مدیریت بحران افغانستان ثابت کنند ولی با وجود این، افکار عمومی در امریکا دیدگاه کاخ سفید را تقریباً قبول کرده اند و مخصوصاً بعد از کشته شدن بن لادن ارتش امریکا را پیروز بحران طولانی افغانستان قلمداد کرده اند، دلیل این مسأله را می توان فقط در یک چیز تحلیل و ارزیابی نمود و آن هم ناشی از تأثیرگذاری رسانه های امریکائی و غربی بر اذهان عمومی جامعه امریکاست که ساکنان این کشور را از وقایع و رویدادهای واقعی بحران افغانستان دور نگاه داشته اند.

ابر رسانه های امریکائی تقریباً در قبال بحران افغانستان سیاست رسانه ئی یکسانی دارند و در ارائه خبرها تقریباً از چهار تکنیک رسانه ئی به شکل هماهنگ استفاده کرده اند که این تکنیک ها عبارتند از:

۱- تکتیک حذف یا سانسور: از دید دانشمندان علم ارتباطات و رسانه به کار بردن این تکتیک به منزله ارائه اطلاعات ناقص و حذف بخشی از رویدادها از خروجی رسانه های خبری است. امریکائی ها در اعلام تلفات نظامی، نارضایتی های افکار عمومی افغانستان، قدرت واقعی طالبان، شکست های نظامی و عملیاتی تفنگداران امریکائی و ... از این تکتیک استفاده می کنند.

۲- تکتیک اطلاع رسانی نامنظم یا قطره چکانی: این تکتیک از روش های متداول رسانه های امریکائی و غربی در قبال تحولات افغانستان بوده است. در این روش تلاش برای این که مخاطب از اطلاعات صحیح و درست محروم باشد اطلاعات به صورت نامنظم و پراکنده ارائه می شود. در اینجا مخاطب تقریباً این احساس را دارد که در جریان کامل اخبار و رویدادها قرار گرفته است ولی حقیقت این است که درک درستی از وقایع در افکار عمومی شکل نمی گیرد. کشتار غیر نظامیان توسط نیروهای امریکائی، جنایات نیروهای خارجی و ... از جمله مواردی است که در صورت فاش شدن با روش فوق به افکار عمومی امریکا و غرب تزریق می شود.

۳- تکتیک آگاهی کاذب که در آن اطلاعات و اخبار بدون جزئیات و بدون اشاره به زمان و مکان منعکس می شود. بسیاری از عملیات های طالبان وقتی در رسانه های امریکائی منتشر می شوند تقریباً با این تکتیک بیان می شوند. بخشی از اطلاعات ترور بن لادن تقریباً کاذب بودند، نه تصویری از رهبر القاعده منتشر شد و فقط به این نکته بسنده شد که جنازه اسامه را به بحر انداخته اند. در بسیاری موارد دیگر آثار و اخبار تلفات ناتو به شکل مبهم ارائه می شود که کاملاً متعمدانه و مغرضانه است.

۴- تکتیک چهارم بزرگ نمائی یا اغراق است که کلیاتی از اخبار در اختیار مخاطب قرار می گیرد و جزئیات حذف می گردد. در این تکتیک مواردی که ارزش چندانی ندارند مورد توجه قرار گرفته و بزرگ جلوه داده می شود. به عنوان مثال در بمباران های هواپیماهای بی سرنشین معمولاً افراد بی گناه و غیر نظامی کشته می شوند ولی این عملیات ها از رسانه های امریکائی به عنوان نابودی مراکز طالبان منتشر می شوند. در این باره اکثر کارشناسان رسانه بر این عقیده اند که دستاوردهای امریکا در افغانستان کاملاً بزرگ نمائی شده اند و حباب رسانه ئی امریکا در بحران افغانستان بزرگتر از آن چیزی است که تصور می شود.

هر از گاهی که بخشی از اسرار نظامی و امنیتی از سوی برخی رسانه ها یا نهادها منتشر می شود مخاطب بخوبی در می یابد که چقدر از حقیقت و واقعیت دور بوده است. نمونه بارز این مسأله را می توان در جنجال سایت ویکی لیکس مشاهده کرد که علی رغم گذشت مدت زیادی از آن کماکان تأثیرات خود را حفظ کرده است. جولیان آسانژ مدیر سایت ویکی لیکس در ظرف مدت کوتاهی صدها هزار سند را منتشر کرد که فاصله افکار عمومی را با حقایق موجود نشان داد. ویکی لیکس اخبار زیادی را در مورد بحران افغانستان فاش کرد که همه آن ها برای افکار عمومی جهان و مخصوصاً امریکا تازگی داشت. اخباری که برای اولین بار به خارج درز کردند و نشان دادند که چقدر رسانه های امریکائی و غربی دور از واقعیات کار می کنند.

به هر حال تکتیک های چهارگانه فوق اساس و بنیان عملیاتی کردن سیاست رسانه ئی امریکا را در بحران افغانستان تشکیل می دهند، تکتیک هائی که با توجه به افشای واقعیت های بحران افغانستان گمان نمی رود دیگر کارائی سال های گذشته را داشته باشند.